

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی

گروه آموزشی زبان شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

رساله

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان شناسی همگانی

موضوع

بررسی مقابله ای نحو، معناشناسی و کاربردشناسی ساخت مجهول در زبان فارسی و فرانسه

استاد راهنما:

دکتر محمد دبیرمقدم

استاد مشاور:

دکتر پروش صفا

استاد داور :

دکتر کوروش صفوی

نگارنده:

رضا رضایی

دی ماه ۱۳۸۹

فرم گرد آوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی

عنوان :		
بررسی مقابله ای نحو، معنی شناسی و کاربرد شناسی ساخت مجهول در زبان فارسی و فرانسه		
نویسنده/ محقق : رضا رضایی		
مترجم:		
استاد راهنما: دکتر محمد دبیر مقدم	استاد مشاور/استاد داور: دکتر پریوش صفا/دکتر کوروش صفوی	
کتابنامه : دارد	واژه نامه : دارد	
نوع پایان نامه : بنیادی <input type="checkbox"/>	توسعه ای <input type="checkbox"/>	کاربردی <input checked="" type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد	سال تحصیلی : ۱۳۸۷-۱۳۸۹	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه : علامه طباطبایی	دانشکده : ادبیات فارسی و زبان های خارجی
تعداد صفحات : ۱۱۷	گروه آموزشی : زبان شناسی همگانی	
کلید واژه ها به زبان فارسی: زبان فارسی، زبان فرانسه، تحلیل مقابله ای، جهت معلوم و جهت مجهول، ساخت ناگذر.		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی : Persian / French language, contrastive analysis, active/ passive voice, inchoative construction		

تقدیم به

پدر و مادرم

آموزگاران و اساتیدم

و دوستانم

سپاسگزاری :

بر خود لازم می دانم که مراتب سپاسگزاری خود را از جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم و دکتر کوروش صفوی که نمو، استدلال و معناشناسی اخلاق را به من آموختند ، و خانم دکتر پریوش صفا عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس و گروه آموزشی آموزش زبان فرانسه اعلام دارم که در این مدت سعادت آشنایی با ایشان را داشتم و نکات ارزشمندی را در کنار ایشان آموختم، همچنین از سرکار خانم دکتر گلناز مدرسی قوامی، دکتر ویدا شقاقی ،دکتر مجتبی منشی زاده و دکتر شهلا رقیب دوست بی نهایت سپاسگزارم .

از دوستان فوبم ، آقایان مرتضی زارعی ، دکتر مهدی دادرضایی،سعید پسندیده از دانشگاه تهران ،و افشین منصورری از دانشگاه شهید بهشتی صمیمانه تشکر می کنم. از تمامی دوستان فوبم در گروه زبانشناسی سال ۱۳۸۷ در دانشگاه علامه طباطبایی ،که لمضات شیرینی را در کنارشان داشتم بویژه عارفه ربانی که در جمع آوری بفتشی از پیکره این پژوهش مرا یاری کرد بی نهایت سپاسگزارم . از،مسین آذربایجانی ، علی میدری و مرتضی طاهری نیز به خاطر مهربانی های بی دریغشان سپاسگزاری می کنم.

به امید روز ها و لمضاتی سرشار از عشق و موفقیت برای آنها .

رضا رضایی دی ماه ۱۳۸۹

چکیده:

الف) موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

رساله حاضر به بررسی مقابله ای ساخت مجهول در زبان فارسی و فرانسه می پردازد و ویژگی های نحوی، معنایی و کاربرد شناختی این ساخت را در دو زبان مورد بررسی قرار می دهد. چنین می نماید که تاکنون مطالعه و مقایسه منسجمی از ساخت مجهول و کاربرد آن در دو زبان فارسی و فرانسه معیاراز منظر زبانشناسی مقابله ای صورت نپذیرفته است.

با توجه به مطالعه انجام شده، می توان گفت که هر دو زبان فارسی و فرانسه تعریف مشابهی از جهت مجهول ارائه می دهند بدین ترتیب که در هر دو زبان مجهول به عنوان جهتی تعریف می شود که در آن فاعل (نهاد) انجام دهنده عمل فعل نیست بلکه پذیرنده اثر فعل است. در زبان فارسی فعل کمکی شدن نقش اصلی را در شکل گیری مجهول ایفا می کند، از طرفی هر فعل متعدی و مستقیمی را که دارای مفعول صریح است می توان به جهت مجهول برد، از طرف دیگر افعال لازم به همراه تعدادی از افعال متعدی را که بر فرآیند های روانی دلالت دارند و در آنها عمل فعل از دخل و تصرف فاعل خارج است نمی توان مجهول کرد، به عبارت دیگر گشتار مجهول در زبان فارسی مقید است و تنها در مورد بعضی از افعال با ویژگی های معنایی خاص عمل می کند. در زبان فارسی جهت مجهول از اسم مفعول فعل متعدی به همراه فعل کمکی شدن ساخته می شود. باید به تمایز مهمی که بین ساخت مجهول و ناکذر وجود دارد نیز اشاره کرد، در زبان فارسی گاه با ساختهایی مواجه می شویم که هرچند دارای فعل کمکی شدن مشابه با ساخت مجهول می باشند اما دارای معنای مبهمی بین مفهوم مجهول و ناگذر هستند. در بحثی تحت عنوان دیگر شیوه های بیان مجهول که به بررسی ویژگی های معنایی ساخت مجهول اختصاص دارد به این نکته اشاره شد که در زبان فارسی با استفاده از افعال واژگانی و بدون فعل کمکی شدن به بیان مجهول می پردازیم. و در آخر و در بحث کاربرد استفاده از عبارات کنادی به این نکته اشاره شد که در زبان فارسی جز در مواردی که نیاز به تعیین دقیق کننده کار نباشد رایج نیست و در صورت ذکر آن، فاعل جمله معلوم را بعد از عبارات از سوی، توسط و بدست می آوریم.

و اما در زبان فرانسه و همان طور که بدان اشاره شد، جهت مجهول دارای تعریف مشابهی یا جهت مجهول در زبان فارسی است. در زبان فرانسه نیز هر فعل متعدی و مستقیمی را می توان به جهت مجهول تبدیل کرد و افعال لازم را نمی توان مجهول کرد، جزء در مواردی که آنها را به صورت متعدی به کار ببریم. به علاوه افعالی که دارای حرف اضافه و یا به عبارتی دارای مفعول غیر مستقیم هستند نیز از تبدیل شدن به جهت مجهول محروم می مانند، در این مورد با موارد استثنایی روبروایم. فعل کمکی (être) به همراه اسم مفعول (Le participe passé) فعل متعدی عناصر اصلی جهت مجهول را در زبان فرانسه تشکیل می دهند. در فرآیند تشکیل جهت مجهول مفعول فعل متعدی که در جایگاه فاعل فعل

در جهت مجهول قرار گرفته است از لحاظ شمار و نوع (مذکر و مؤنث) با اسم مفعول فعل مربوطه مطابقت می کند. همچنین زمان فعل در جهت مجهول همان زمان فعل اصلی در جهت معلوم است. در بخشی به بررسی جهت مجهول در افعال دو ضمیره و بی شخص زبان فرانسه اشاره کردیم که اگر چه دارای شکل مجهول نیستند، اما نمونه هایی از مجهول های معنایی اند. در مورد استفاده از عبارات کنادی در زبان فرانسه نیز اشاره کردیم که این عبارات بعد از حروف اضافه (*Par*) و یا (*De*) معرفی می شوند. در زبان فرانسه نیز مانند زبان فارسی تنها هنگامی که نیاز به تعیین دقیق کننده کار و یا (فاعل) باشد به ذکر عبارات کنادی می پردازیم. همچنین در مورد استفاده از عبارات کنادی در زبان فرانسه به این نکته اشاره شد که اگر گوینده به ذکر نائب فاعل نپردازد، این ساخت را مجهول ناتمام می نامیم. در این حالت اگر فعل دارای نمود کامل باشد، مجهول دارای خوانش و تعبیری استنتاجی است. باید به این نکته نیز اشاره کرد که اسم مفعول فعل که در ساخت مجهول ناتمام به کار می رود دارای ساخت اسنادی (*être + صفت*) می باشد. این ساخت به همراه شکل پایه مجهول در زبان فرانسه تنها خصیصه همسانی در توصیف فاعل را به اشتراک می گذارد.

ب) مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها:

. پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا ساخت مجهول را از دیدگاه زبان شناسی مقابله ای در دو زبان فارسی و فرانسه مورد بررسی قرار دهد. هدف از تدوین این رساله، دست یابی به وجوه افتراق و اشتراک ساخت مجهول در زبان فارسی و فرانسه معیار است.

مبنای تدوین رساله حاضر دو پرسش زیر است :

۱. آیا ساخت مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه معیار از وجوه افتراق و اشتراک برخوردار است ؟

۲. آیا می توان با تکیه بر معیارهای صوری، معنایی و کاربرد شناختی به این وجوه افتراق و اشتراک پی برد؟

رساله حاضر می کوشد تا با مقابله و مقایسه ساخت مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه معیار به وجوه افتراق و اشتراک این دو از نظر ساخت مجهول پی ببرد. مدرسان می توانند بر پایه یافته های این پژوهش راهکار های آموزشی یافته و با شناخت این وجوه افتراق و اشتراک راحت تر به امر آموزش و یا ترجمه بپردازند. افزون بر این، این پژوهش می تواند به تهیه کنندگان کتب درسی فارسی برای فرانسه زبانان و زبان آموزان فارسی زبان فرانسه کمک کند.

همچنین این بخش شامل مروری است به آراء و نظرات زبان شناسان و دستورنویسان ایرانی و غیر ایرانی پیرامون ساخت مجهول در زبان فارسی و همچنین نظرات دستور نویسندگان و زبان شناسان فرانسوی پیرامون ساخت مجهول در زبان فرانسه.

پ) روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها.

استخراج اطلاعات مربوطه از معتبر ترین منابع در دسترس صورت گرفته است. برای انجام این مهم از پیکره ای که شامل متون ادبی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است، استفاده شده است. نگارنده با بررسی کتاب ها، روزنامه ها، مجلات، وبپایگاه های خبری و در قالب روش تحقیق توصیفی به جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته است.

پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین شده است:

در فصل اول به کلیات پژوهش که شامل مقدمه، تعریف زبانشناسی مقابله ای، اهداف تحلیل مقابله ای، مراحل مقایسه زبان ها، فرضیه های تحلیل مقابله ای، بیان مساله، اهداف پژوهش، اهمیت پژوهش و شیوه گردآوری و تجزیه تحلیل داده هاست پرداخته ایم.

فصل دوم که به پیشینه تحقیق اختصاص دارد به بررسی پژوهش های انجام شده در زمینه ساخت مجهول از لحاظ تقدم و تاخر تاریخی آن می پردازد، که خود شامل آرا و نظریات زبانشناسان ایرانی و غیر ایرانی در مورد ساخت مجهول فارسی و همچنین دیدگاه های موجود و مربوط به ساخت مجهول در زبان فرانسه است.

در فصل سوم به توصیف مفصل ساخت مجهول و کاربرد آن در زبان فارسی پرداخته شده است.

فصل چهارم به بررسی ساخت مجهول و کاربرد آن در زبان فرانسه می پردازد. در انتهای فصل نیز به بررسی مقابله ای ساخت مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه پرداخته ایم و شباهت ها و تفاوت ها را بازگو کرده ایم.

و فصل پنجم به نتیجه گیری، بحث و پیشنهاد برای مطالعات مقابله ای بعدی در زمینه ساخت مجهول در دو زبان اختصاص دارد.

ج) نتایج و یافته های تحقیق:

- ۱) در زبان فرانسه همانند زبان فارسی هر جمله دارای فعل متعدی مستقیم را می توان مجهول کرد.
- ۲) در زبان فارسی علاوه بر مقوله ناگذر، مقوله نحوی مجهول نیز وجود دارد.
- ۳) در زبان فارسی گشتار مجهول یک قاعده مقید است بدین منظور که فقط در مورد گروهی از افعال با ویژگی های معنایی خاصی عمل می کند.
- ۴) در هر دو زبان افعال لازم را نمی توان مجهول کرد، هر دو زبان در این مورد دارای استثنائاتی هستند.

- ۵) در زبان فارسی همانند زبان فرانسه افعال لازم هنگامی که به شکل متعدی به کار می روند می توانند مجهول شوند، از طرفی در زبان فرانسه این افعال می توانند در ساخت غیر شخصی مجهول به کار روند.
- ۶) در مورد کاربرد جهت مجهول در دو زبان باید گفت که جهت مجهول هنگامی به کار می رود که به هر دلیلی اعم از اینکه فاعل مشخص است و یا اینکه نیازی به ذکر آن نیست نخواهیم آن را بیان کنیم.
- ۷) در هر دو زبان و بویژه در زبان فرانسه، جهت مجهول هنگامی که فاعل جمله ضمیر شخصی است کاربرد ندارد و از طرف دیگر هنگامی که مفعول مستقیم جمله معلوم نامعین است، گذار از معلوم به مجهول دشوار است.
- ۸) در زبان فرانسه ساخت مجهول بدون عبارت کنادی، مجهول ناتمام نام دارد. در این حالت اسم مفعول مانند صفت ساده ای است که در ساخت اسنادی به کار می رود و به همراه شکل پایه مجهول تنها خصیصه همسانی در توصیف فاعل را به اشتراک می گذارد.

دال) نتیجه گیری و پیشنهادات:

این پژوهش ادعا نمی کند که تمامی مباحث ساختاری، معنایی و کاربر شناختی جهت مجهول را نمایان ساخته است، هر کدام از این موارد خود موضوع درخوری است برای مطالعات و پژوهش های بعدی، از این موارد نگارنده چند موضوع را جهت مطالعات بعدی پیشنهاد می کند.

- ۱) بررسی مقابله ای جهت معلوم و مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه از منظر ساخت اطلاع.
- ۲) بررسی مقابله ای جهت معلوم و مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه در چارچوب برنامه کمینه گرا.
- ۳) بررسی مقابله ای جهت معلوم و مجهول در دو زبان فارسی و فرانسه در چارچوب دستور وابستگی.

کلید واژه ها:

زبان فارسی، زبان فرانسه، تحلیل مقابله ای، جهت معلوم و جهت مجهول، ساخت ناگذر.

اینجانب رضا رضایی صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای رساله و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

رئیس کتابخانه

نام دانشکده

سمت علمی

نام استاد راهنما

فهرست مطالب :

فصل اول: مقدمه و طرح پژوهش

۱	۱-۱ مقدمه
۱	۲-۱ اهداف و وظایف تحلیل مقابله ای
۳	۳-۱ مراحل مقایسه زبان ها
۴	۴-۱ فرضیه های تحلیل مقابله ای
۴	۱-۴-۱ نظریه های رفتار گرایان
۵	۲-۴-۱ فرضیه قوی تحلیل مقابله ای
۵	۳-۴-۱ فرضیه ضعیف تحلیل مقابله ای
۶	۵-۱ بیان مساله
۶	۶-۱ اهداف پژوهش
۶	۷-۱ پرسش های پژوهش
۷	۸-۱ فرضیه های پژوهش
۷	۹-۱ اهمیت پژوهش
۷	۱۰-۱ روش گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها
۷	۱۱-۱ محدودیت های پژوهش
۸	۱۲-۱ ساختار پژوهش

فصل دوم: پیشینه مطالعات پیرامون ساخت مجهول

۹	۱-۲ مقدمه
۹	۲-۲ نگاهی به آراء زبانشناسان غیر ایرانی در رابطه با ساخت مجهول

۹	۱-۲-۲ نایدا
۹	۲-۲-۲ باخ
۱۰	۳-۲-۲ پرمیوتر و پستال
۱۱	۴-۲-۲ پالمر
۱۱	۳-۲ نظرات دستور نویسان و زبانشناسان ایرانی در رابطه با ساخت مجهول
۱۲	۱-۳-۲ مقدمه
۱۶	۲-۳-۲ دستور پنج استاد
۱۶	۳-۳-۲ باطنی
۱۷	۴-۳-۲ خزائلی
۱۸	۵-۳-۲ شریعت
۱۹	۶-۳-۲ انوری
۲۰	۷-۳-۲ دبیر مقدم
۲۲	۸-۳-۲ مشکوه‌الدینی
۲۲	۹-۳-۲ ماهوتیان
۲۳	۱۰-۳-۲ پاکروان
۲۳	۱۱-۳-۲ جباری
۲۴	۴-۲ آراء و نظرات زبانشناسان و دستور نویسان زبان فرانسه پیرامون ساخت مجهول
۲۵	۱-۴-۲ سوشه
۲۶	۲-۴-۲ دوندو، ارنست
۲۷	۳-۴-۲ گرویس
۲۹	۴-۴-۲ مونری

۳۰	۲-۴-۵ برارد، لاون
۳۰	۲-۴-۶ باتی، هینتز
۳۱	۲-۴-۷ دولاتور، ژان پن
۳۳	۲-۴-۸ دولاتور، ژان پن
۳۳	۲-۴-۹ دوبوا، ژیاکومو
۳۴	۲-۴-۱۰ دوبوا، لاگن

فصل سوم ساخت مجهول و موارد کاربرد آن در زبان فارسی

۳۶	۳-۱ مقدمه
۳۶	۳-۲ تعریف جهت معلوم در زبان فارسی
۳۶	۳-۳ جهت مجهول در زبان فارسی
۳۷	۳-۳-۱ تعریف
۳۷	۳-۳-۲ شیوه ساخت مجهول در زبان فارسی
۴۱	۳-۳-۳ مجهول افعال مرکب در زبان فارسی
۴۴	۳-۳-۴ ساخت مجهول در افعال سببی زبان فارسی
۴۶	۳-۳-۵ ساخت مجهول در افعال دو مفعولی در زبان فارسی
۴۷	۳-۳-۶ افعال پذیرنده ساخت مجهول در زبان فارسی
۴۷	۳-۳-۷ افعالی که در زبان فارسی جهت مجهول را نمی پذیرند
۵۰	۳-۳-۸ دیگر شیوه های بیان مجهول در زبان فارسی : مجهول های معنایی
۵۳	۳-۳-۹ کاربرد عبارات کنادی در ساخت مجهول زبان فارسی
۵۴	۳-۴ نتیجه گیری فصل

فصل چهارم : ساخت مجهول و موارد کاربرد آن در زبان فرانسه

۵۵	۱-۴ مقدمه
۵۵	۲-۴ تعریف جهت معلوم در زبان فرانسه
۵۷	۳-۴ جهت مجهول در زبان فرانسه
۵۷	۱-۳-۴ تعریف جهت مجهول در زبان فرانسه
۵۸	۲-۳-۴ شیوه ساخت مجهول در زبان فرانسه
۵۹	۳-۳-۴ افعال پذیرنده ساخت مجهول در زبان فرانسه و موارد استثنا
۶۲	۴-۳-۴ افعالی که در زبان فرانسه ساخت مجهول را نمی پذیرند و موارد استثنا
۶۴	۵-۳-۴ دیگر شیوه های بیان مجهول در زبان فرانسه : مجهول های معنایی
۶۸	۶-۳-۴ افعال دو ضمیره دارای معنای مجهول
۷۱	۷-۳-۴ مجهول غیر شخصی
۷۳	۴-۴ کاربرد حروف اضافه (De یا par) در عبارات مجهول زبان فرانسه
۷۶	۵-۴ ساخت مجهول همراه یا بدون عبارات کنادی در زبان فرانسه
۷۸	۶-۴ وجوه افتراق و اشتراک کاربرد جهت مجهول در زبان فارسی و فرانسه

فصل پنجم : خلاصه و نتیجه پژوهش

۸۲	۱-۵ مقدمه
۸۲	۲-۵ خلاصه و نتیجه گیری فصول اول و دوم
۸۲	۳-۵ خلاصه و نتیجه گیری فصل سوم
۸۳	۴-۵ خلاصه و نتیجه فصل چهارم
۸۴	۵-۵ بررسی مقابله ای ساخت مجهول در زبان فارسی و فرانسه
۸۵	۶-۵ پیشنهاد و بحث

۸۷	کتابنامه فارسی
۹۰	کتابنامه انگلیسی و فرانسه
۹۴	منابع نمونه گیری
۹۸	پیوست
۱۱۰	واژه نامه فارسی - فرانسه
۱۱۴	واژه نامه فرانسه - فارسی

فصل اول

مقدمه و طرح پژوهش

زبان‌شناسی مقابله‌ای به عنوان زیر مجموعه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی با مقایسه دو یا چند زبان، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را در سطح و بافتی خاص مشخص می‌کند. این زیر شاخه به نوبه خود به دو گونه نظری و کاربردی تقسیم می‌شود. گونه نظری آن به بررسی جامعی از تفاوت‌ها و شباهت‌های دو یا چند زبان می‌پردازد و الگویی شایسته برای مقایسه آنها ارائه داده و نشان می‌دهد که کدامیک از عناصر زبانی با یکدیگر قابل مقایسه‌اند و این مقایسه چگونه صورت می‌پذیرد.

گونه کاربردی آن بر پایه یافته‌های زبان‌شناسی مقابله‌ای نظری بنا می‌شود و اطلاعات مورد نیاز برخی رشته‌های علمی از قبیل آموزش زبان، ترجمه، تحلیل دو زبانی و غیره را فراهم سازد (کشاورز، ۱۹۹۴: ۲-۴). در نتیجه مطالعات مقابله‌ای کاربردی جهت دارند و نشان می‌دهند که مثلاً چگونه یک مقوله در زبان مبدا در زبان مقصد بیان می‌شود.

زبان‌شناسی مقابله‌ای به عنوان بخشی از زبان‌شناسی معرفی می‌شود که در آن یک نظریه زبان‌شناختی برای توصیف مقابله‌ای دو یا چند زبان به کار می‌رود که نیازی نیست این زبانها از لحاظ تاریخی و رده شناختی مرتبط باشند، پس هم به زبان‌شناسی نظری و هم به زبان‌شناسی توصیفی مربوط می‌شود و در ضمن در رشته‌های مربوط به آموزش زبان، روان‌شناسی زبان^۱، جامعه‌شناسی زبان^۲ و روان‌شناسی یادگیری کاربرد دارد. زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی به شناسایی محل‌های احتمالی بروز دشواری در یادگیری یا ترجمه زبان مقصد نیز می‌پردازد، این جنبه از زبان‌شناسی مقابله‌ای کاربردی تحلیل مقابله‌ای^۳ نام دارد (ضیاء حسینی ۱۹۹۴: ۶).

۱-۲ اهداف و وظایف تحلیل مقابله‌ای

در زبان‌شناسی مقابله‌ای به پیش‌بینی خطاها، تحلیل خطاها، آموزش، طبقه‌بندی^۴ و یا ترتیب آموزش^۵ می‌پردازیم. هدف از تحلیل مقابله‌ای، ترجمه و یا آموزش زبان خارجی است، مترجم به منظور حفظ وفاداری نسبت به گوینده یا نویسنده در پی یافتن عناصر معادل در زبان‌های مبدا و مقصد است. تفاوت‌های فرهنگی از

^۱ Psycholinguistics.

^۲ Sociolinguistics.

^۳ Contrastive analysis.

^۴ Grading

^۵ Sequencing

جمله ارزش ها ، اعتقادات ، احساسات و الگوهای فکری ، رفتاری و زبانی مواردی هستند که برای دستیابی به معادل های صحیح میان زبان ها مقابله و مقایسه می شوند. بررسی های انجام شده در حیطه روانشناسی زبان نشان می دهد که در یادگیری زبان خارجی همواره از درجه نظام قواعد زبان اول به زبان دوم نگریسته می شود (ضیاء حسینی ، ۱۹۹۴: ۶).

پس فرآیند یادگیری زبان دوم متفاوت از روند یادگیری زبان اول است . به بیان دیگر ، زبان آموز قواعد زبان اول را مبنای زبان آموزی خود قرار داده و با مقایسه آن با قواعد زبان دوم درصدد گسترش آن قواعد و یا ایجاد قواعد جدید بر می آید البته در پاره ای از موارد ، برخی از قواعد زبان اول در زبان دوم فاقد اعتبار هستند. در این فرآیند ، تفاوت هایی که میان مجموعه قواعد زبان مبداء و مقصد وجود دارد موجب بروز تداخل های فراوانی می شود. از این رو باید به این قبیل تداخل ها توجه خاصی معطوف داشت . پس تجزیه و تحلیل و طبقه بندی نظام مند خطاها را می توان ابزار مهمی برای پیش بینی خطاها در برنامه ریزی های آموزشی و روش مند در نظر گرفت (ضیاء حسینی ، ۱۹۹۴: ۶).

بنابراین هدف نهایی تحلیل مقابله ای ارائه توصیف کامل و جامع از موارد اختلاف میان زبان های مورد مقایسه به منظور دستیابی به نوعی سلسله مراتب زبانشناختی از تفاوت هاست (ضیاء حسینی ، ۱۹۹۴: ۷).

هر جامعه زبانی کم و بیش برای بیان پدیده ها و تجربیات یکسان صورتهای زبانی متفاوتی را به کار می برد. به نظر می رسد تفاوت های موجود میان زبان ها ناشی از نگرش های خاصی باشد که هر یک از آن جوامع نسبت به حقایق و پدیده های فیزیکی یا روانشناختی پیرامون خود دارند. با نگاهی کوتاه به هر یک از دو زبان می توان دریافت که عناصر نشانگر صورت های متفاوت در واقع واقعیت های دارای شباهت های بنیادین هستند و هر جامعه زبانی از میان این عناصر صرفاً صورت های زبانی مشخصی را برای اشاره به واقعیت ها بر می گزیند (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۱۲).

پس با توجه به مطالب فوق، هدف دیگر زبانشناسی مقابله ای این است که گویشوران چه نگرشی به نسبت به جهان پیرامون خود دارند و برای درک و مفهوم سازی عناصر آن از چه راهبرد هایی استفاده می کنند و چرا این مفهوم سازی ها در هر زبان متفاوت از زبان دیگر است . از این رو تحلیل مقابله ای متکی بر روان شناسی زبان است و بر عملکرد دستگاه ادراکی هم در اکتساب و هم در تولید زبان تأکید دارد.

از اهداف دیگر تحلیل مقابله ای پیش بینی خطاهاست یا به عبارتی تجزیه و تحلیل آن هاست و این امکان را فراهم می کند تا موارد آموزشی بر اساس پیوستار دشواری درجه بندی و ارائه شوند. بدین معنی که چنانچه

عناصر متفاوت در دو زبان مشکل آفرین باشند به طور نسبی در واحد های درسی انتهایی قرار می گیرند. البته نبایستی فراوانی رخداد و نیاز زبان آموزان را در اولویت بندی مطالب آموزشی نادیده گرفت و بالاخره اینکه بررسی مقابله ای روش مشخصی را برای آموزش زبان پیشنهاد نمی دهد بلکه این امکان را برای مدرسان فراهم می آورد که تصمیم بگیرند باید چه نکته های زبانی را و به چه ترتیبی آموزش بدهند. بررسی اینکه این نکته ها باید چگونه آموزش داده شوند مربوط به علم روش شناسی است (ضیاء حسینی ، ۱۹۹۴ : ۷-۱۵).

۱-۳ مراحل مقایسه زبان ها

برای انجام مطالعات مقابله ای همیشه یک الگوی نظری خاص لازم است که این الگوی نظری بر گرفته از دستور های مختلفی چون سنتی ، ساختگرایی و یا زایشی - گشتاری^۱ است. مقابله گر با توجه به اهداف خود از بین نظریه ها و الگو های مختلف، الگوی مناسب را بر می گزیند و بر اساس آن به توصیف نظام های زبانی مورد علاقه اش می پردازد. در دستور سنتی پژوهشگر به شناسایی اجزای کلام چون اسم، فعل، صفت و قید می پردازد و یا نقش های مختلف اجزای کلام در جمله چون فعل و انواع متمم هایش را بررسی می کند.

در دستور ساختگرایی برای هر زبان چارچوب و توصیف خاصی در نظر گرفته می شود و سپس در قالب پاره ای از روالهای کشف^۲ مقایسه انجام می شود. در دستور زایشی - گشتاری جمله های معلوم و معیار مورد مقایسه قرار می گیرند و قواعد گشتاری و کاربرد آنها با هم مقایسه می شوند. در زمینه تحلیل مقابله ای طبق موارد ذکر شده، روش سنتی برای مقایسه بهتر از بقیه به نظر می رسد ، چون هر یک از الگوها ی ذکر شده دارای اشکالاتی به شرح زیر می باشند :

۱. قواعد گشتاری تنها به ساخت نحوی جملات می پردازند.
۲. قواعد ساخت گروهی و گشتاری اطلاعاتی را در مورد روابط جانشینی و ارتباط میان جملات مشابه که در موقعیت های زبانی واقعی به کار می روند به دست نمی دهند . به علاوه این قواعد برای زمان مناسب کاربرد جمله ها و انتخاب صورت بهتر از میان صورت های مختلف پیشنهادی ارائه نمی دهند (ضیاء حسینی ، ۱۹۹۴ : ۲۰-۳۰).

حال که چارچوب انتخاب شد، مقابله گر باید برای مقایسه و مقابله دو زبان از پنج مرحله زیر دست به انتخاب بزند.

^۱.Generative-transformational grammar.

^۲.Discovery procedures.

۱. گزینش^۱: مقایسه تمام آواها، واژگان و ساختارهای دو زبان کاری دشوار است. در نتیجه مقابله گر باید موارد مشخصی را با توجه به شم دو زبان و تجربه شخصی خود بر گزیند و سپس به بررسی آنها بپردازد.
۲. توصیف^۲: هنگامی که مقابله گر موارد مورد نظر برای مقایسه را انتخاب کرد، آن موارد را به گونه ای زبانشناختی در دستور دو زبان توصیف می کند.
۳. مقایسه^۳: در این بخش، محقق با بررسی داده های گردآوری شده در مرحله دوم به تفاوت ها و شباهت های موجود در صورت و معنا و توزیع عنصر مورد مقایسه در هر دو زبان پی می برد.
۴. پیش بینی^۴: پس از تعیین وجوه افتراق و اشتراک، مقابله گر خطاها و مشکلاتی را که مترجم و یا زبان آموز با آنها مواجه می شود پیش بینی می کند. وی به کمک نظریه های یادگیری در روان شناسی مشخص می کند که کدامیک از شباهت ها و یا تفاوت ها می توانند مشکل ساز شوند.
۵. اثبات^۵: آخرین مرحله در یک پژوهش مقابله ای، بررسی پیش بینی های انجام شده در مرحله پیشین و انطباق آنها با واقعیت است (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۲۵).

۴-۱ فرضیه های تحلیل مقابله ای

۱-۴-۱ نظریه های رفتار گرایان

در دیدگاه رفتار گرایی، یادگیری بر اساس اصل انتقال^۶ صورت می پذیرد. طبق این اصل دانش دستوری زبان اول روی زبان دوم یا خارجی تاثیر می گذارد که این خود به دو صورت می تواند تظاهر پیدا کند:

۱. انتقال مثبت^۷: زمانی صورت می گیرد که ساختارهای دستوری زبان اول و دوم شباهت داشته باشند و زبان آموز بتواند قواعد زبان اول خود را بدون تغییر در زبان دوم به کار برد.
۲. انتقال منفی^۱: زمانی صورت می گیرد که ساختارهای دستوری دو زبان با هم تفاوت داشته باشند، بدیهی است که در اینجا زبان آموز برای یادگیری این قواعد و الگوها نیاز به تمرین بیشتر و زمان و فعالیت بیشتری دارد (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۱۱).

^۱. Selection
^۲. Description
^۳. Comparison
^۴. Prediction
^۵. Verification
^۶. Transfer.
^۷ Positive transfer.

۱-۴-۲ فرضیه قوی تحلیل مقابله ای^۲

پیروان اصل انتقال عقیده دارند که یادگیری عناصر مشابه همچون آواها، واژگان، ساختار و عناصر فرهنگی مشابه ساده و یادگیری عناصر متفاوت دشوار است. در نتیجه به اعتقاد آنان هر چه میزان اختلاف بیشتر باشد، یادگیری دشوار تر است، در نتیجه به اعتقاد آنان، هر چه میزان اختلاف بیشتر باشد، یادگیری دشوار تر است. این نظریه توسط لادو (۱۹۷۵) طرح شد و فرضیه قوی تحلیل مقابله ای نام گرفت (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۱۱).

۱-۴-۳ فرضیه ضعیف تحلیل مقابله ای^۳

یکی از معایب فرضیه قوی تحلیل مقابله ای این است که فقط قادر به توصیف خطاهای میان زبانی یا به عبارت دیگر خطاهای زبان خارجی ناشی از تداخل زبان اول است. در حالی که تجربه نشان می دهد که فقط یک سوم از خطاهایی که از سوی زبان آموزان تولید می شود از این نوعند (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۱۰).

وجود چنین مسائلی منجر به ارائه فرضیه ضعیف تحلیل مقابله ای شد. این رویکرد توسط واردهاف (۱۹۷۰) طرح گردید، معتقدان به این فرضیه مخالف به کار گیری اصل انتقال در یادگیری زبان دوم یا خارجی بودند زیرا این اصل اگر چه برای یادگیری حیوانات معتبر است، اما در مورد یادگیری موضوع پیچیده ای مثل زبان آموزی آن هم توسط انسان فاقد اعتبار است. براساس این فرضیه زبان مادری نه تنها تداخل ایجاد نمی کند، بلکه موجب سهولت یادگیری زبان دوم می شود و در واقع زبان آموز در جریان یادگیری زبان خارجی دائماً به دانش پیشین خود رجوع می کند و از آن کمک می گیرد (ضیاء حسینی، ۱۹۹۴: ۱۰-۱۱).

پیشرفتی که بعد ها در زمینه تفسیر خطاهای زبانی زبان آموز علاوه بر پیش بینی آنها حاصل شد، فرضیه معتدل تحلیل مقابله ای^۴ بود. طرفداران نظریه اخیر بر این باورند که فراگیری زبان اول در یاد گیری دوم یا

^۱. Negative transfer.

^۲Strong version of CAH.

^۳Weak version of CAH.

^۴.Moderate version of CAH.